



انجمن مطالعات
سیاسی حوزه



فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالعات سیاسی حوزه

دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

بررسی جایگاه پلیس در تامین امنیت در راستای دستیابی به حکمرانی خوب (نمونه موردی ایران انگلستان فرانسه)

نسترن کردی

دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

nastaran.kordi@iau.ac.ir

یزدان نصرتی‌زاده

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

Nosratiyazdan@iau.ac.ir

مسعود قاسمی

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

mdghasemi@iau.ac.ir

چکیده

نظم ساختاری در حکومت‌های دمکراتیک بر پایه اصل تفکیک قوا و جدایی نیروهای اجرائی از قوه قضائیه است. با این حال طی سالیان اخیر در نظام کیفری برخی کشورها، شاد اعطای اختیاراتی به پلیس هستیم که امکان مداخله قضائی آنها در برخی جرائم خود را فراهم می‌نماید. در این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه حدود این مداخله، الزامات آن و نحوه انجام آن در سه کشور انگلستان، فرانسه و ایران پرداخته‌ایم. باید اذعان داشت که اصلی‌ترین دغدغه در این زمینه آن است که پلیس در این شرایط تمام وظایف تفکیک شده قضائی-پلیسی شامل کشف جرم، اتهام‌زنی، رسیدگی و صدور حکم را خود انجام می‌دهد. لیکن تجربه موفق برخی کشورها و بهره‌گیری از ساختار پلیس قضائی در آنها، تا حدود زیادی برطرف کننده دغدغه‌های موجود می‌باشد. لذا امکان اعطای برخی اختیارات قضائی به پلیس در ایران، در صورت آموزش صحیح، قوانین استخدامی سخت‌گیرانه در این مورد و نظارت کافی بر مأموران و ضابطان فعال در این زمینه وجود دارد.

کلید واژه‌ها: پلیس، امورقضایی، کشف جرم، پلیس قضایی



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

۱. مقدمه

با ارتکاب جرم و کشف آن، چرخ‌های عدالت کیفری به حرکت درمی‌آید. مرتکب در فرایند کیفری از صافی‌های تعقیب، تحقیق و محاکمه می‌گذرد (بولک، ۱۳۸۴: ۲۱). در فرض وقوع جرم و محکومیت مرتکب، واکنش‌ها عملاً به صورت مجازات نمایان می‌شود. اما اعمال مجازات نسبت به همه مرتکبین نه تنها سودمند نیست؛ بلکه معضلاتی مثل افزایش پرونده‌ها و هزینه‌های کیفری را به دنبال دارد. لذا، یکی از ضرورت‌های نظام کیفری، اعمال روش‌هایی است که کمترین هزینه و بیشترین کارایی را داشته باشد (حاجی ده‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸). یکی از این روش‌ها، راهکار مهم و اثرگذاری به نام قضازدایی است (دیباچی شیشوان و عزیز، ۱۳۹۲: ۵۶). قضازدایی یعنی به جریان نینداختن رسیدگی کیفری یا متوقف کردن آن (مهر، ۱۳۷۶-۱۳۷۷: ۳۰۸). قضازدایی هر فرایندی را شامل می‌شود که یا مانع ورود پرونده به فرایند کیفری می‌شود یا از ادامه آن جلوگیری و یا اینکه آن را به بیرون از سیستم هدایت می‌کند. از سوی دیگر به نظرمی رسد حقوق کیفری و نظام عدالت کیفری فعلی در حصول اهداف خود از قبیل اصلاح، درمان و برقراری امنیت در جامعه با تمسک به شیوه‌های سنتی تعقیب دعوا موفق نبوده زیرا مشاهده می‌شود که با اعمال مجازات بر شخص نه تنها شخص اصلاح نمی‌شود بلکه در خیلی از موارد نتیجه عکس خواهد شد. شخصی که سابق بر آن در خفا اقدام به ارتکاب جرم می‌کرد حال برچسب مجرمانه‌ای که خورده از سایر افراد جامعه جدا شده و می‌تواند بیشتر از قبل به فعالیت‌های مجرمانه روی آورد، از سوی دیگر زندان ماندن چنین فردی صرفاً قانون نوشته را به اجرا می‌گذارد و در گذر زمان قربانی جرم بدون جبران خسارت‌های وارده فراموش می‌شود که این امر نیز در بلندمدت تالی فاسدهای فراوانی ایجاد خواهد کرد و به مثابه‌ی از دست رفتن اعتبار نظام عدالت کیفری خواهد بود.

لیکن آنچه محل اختلاف است، بحث بر سر امکان مداخله پلیس در جرائم سبک برای انجام عملیات قضایی به جای مقام قضایی است، دو کشور انگلستان و فرانسه تجربیاتی در این زمینه دارند لذا پس از تبیین وضعیت مورد بحث در این دو کشور، به فرصتها و چالشهای مداخله در امور قضایی توسط پلیس در ایران می‌پردازیم.

۲. انگلستان

لازمه اصلی مداخله پلیس در برخی امور قضایی، وجود اختیارات صلاح‌دیدی مشخص برای پلیس است. در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا، اغلب پلیس رأساً مبادرت به تحقیق می‌نماید (صادق‌پور، ۱۳۹۰: ۲)؛ لیکن در کشورهای تابع نظام حقوقی نوشته همچون ایران، پلیس زیر نظر مقام قضایی انجام وظیفه می‌کند (افراسیابی، ۱۳۹۵: ۷۳). انگلستان به عنوان یک کشور کامن‌لایی، توجه ویژه‌ای به قضازدایی پلیسی داشته است. پلیس انگلستان هنگام دستگیری متهم و کشف جرم، می‌تولند پرونده را خاتمه دهد یا آن را بدون ارجاع به دادستان یا دادگاه، حل و فصل نماید (Waddington, 1999: 36). لذا، خصوصیت اصلی نظام حقوقی انگلستان در اتخاذ تصمیمات قضازدایی توسط پلیس در قریب به اتفاق موارد، قبل از ارجاع پرونده به دادستانی است (Ashworth, 2000: 266-267). به عبارت دیگر، پلیس با توجه به اختیاراتی که دارد، در نقش مقام قضایی اقدام می‌کند (شاکری و قاسمی، ۱۳۹۵: ۸۷). در حالی که در ایران، مطابق با ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پلیس تحت نظر دادستان انجام وظیفه می‌کند و اختیارات خیلی محدودی در زمینه قضازدایی دارد.



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

۲-۱ کارکردهای مداخله پلیس انگلستان

ذیلا به بررسی کارکردهای مداخله پلیس در امور قضایی در انگلستان می پردازیم

۲-۱-۱ کاهش تورم کیفری

قضازدایی پیش دادرسی، حجم پرونده‌هایی را که در دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، کاهش می‌دهد که این خود باعث کارایی بیشتر دادگاه در رسیدگی به پرونده‌های مهم‌تر و وارد آمدن فشار کمتر به زندان‌ها می‌شود. لذا، ادعا شده که منطقی‌ترین قضازدایی برای نوجوانان، قضازدایی در مرحله پلیسی است. زیرا اثبات شده که قضازدایی پلیسی با اقدامات دادگاه همخوانی دارد. یعنی آن دسته از مرتکبانی که با اخطار قضازدایی می‌شوند، در صورت ارجاع به دادگاه، معافیت مطلق یا مشروط از مجازات دریافت می‌کنند (Kraus and Hasleton, 1982: 172).

۲-۱-۲ سرعت فرایندهای قضازدایانه

از دیگر مبانی قضازدایی پلیسی، زودتر به نتیجه رسیدن آنهاست. قضازدایی پلیسی فاصله دستگیری مرتکب و ختم پرونده را کاهش می‌دهد. یکی از اهداف قبض جرمه برای بی‌نظمی، ارائه پاسخ جایگزین سریع به افسران برای برخورد با جرائم سبک است. همچنین، یکی از اهداف اخطار ساده، اجرای عدالت به صورت سریع، ساده و مؤثر است.

۲-۱-۳ کارایی اقتصادی فرایندهای قضازدایانه

اگر از منظر مدیریت فرایند کیفری به واکنش نسبت به جرم بنگریم، طیفی از بزه‌کاران هستند که به لحاظ میزان خطرناکی در رتبه‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. از آنجا که نظام عدالت کیفری توان اقتصادی برخورد کیفری با تمامی مرتکبان را ندارد، مرتکبین جرائم غیرمهم باید قضازدایی شوند. زیرا با قضازدایی پلیسی، دیگر لزومی به جمع‌آوری ادله، تعقیب، تحقیق و رسیدگی نیست؛ در نتیجه در زمان و منابع مالی صرفه‌جویی می‌شود. به علاوه، قضازدایی در مقایسه با طرح پرونده در دادگاه مستلزم به کارگیری نیروی انسانی کمتر و در نتیجه، متضمن هزینه اضافی کمتر است. تجربه‌های کشور انگلستان نشان داده که پلیس با اخطارهای ساده، در برخورد با جرم وقت کمتری صرف می‌کند.

۲-۲ مصادیق رسمی قضازدایی پلیسی

اصطلاح «حل و فصل‌های خارج دادگاهی» برای طیفی از حل و فصل‌های رسمی کوتاه کردن تعقیب مورد استفاده قرار می‌گیرد. اخطار ساده بزرگسالان، اخطارهای مشروط، اخطار جوانان و قبض جرمه، تنها حل و فصل‌های رسمی هستند که باعث کنار گذاشتن تعقیب می‌شوند.

۲-۲-۱ اخطار ساده بزرگسالان

اخطار به معنای نصیحت کردن و هشدار دادن است (شکرچی‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۳). این اخطار نباید با هشدار که پیش از بازجویی به مظنون داده می‌شود، خلط شود؛ بلکه به وسیله آن، مظنون بدون ارجاع به دادگاه با هشدار در مورد عواقب تکرار جرم آزاد می‌شود (مهرا، ۱۳۹۴: ۱۶۰). اخطار ساده یعنی آنکه پلیس نمی‌تواند شرطی مثل جبران خسارت بزه‌دیده در آن قرار دهد. این اخطار یک هشدار رسمی است که توسط پلیس در خصوص مرتکبان بزرگسال در جرائم کم‌اهمیت صادر می‌شود و حکم محکومیت محسوب نمی‌شود؛ اما بخشی از سابقه کیفری فرد است که می‌تواند در رسیدگی به جرائم ارتكابی بعدی وی به آن استناد شود. تا سال ۲۰۱۵، مبنای قانونی برای اخطار ساده وجود نداشت و پلیس حتی در



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

جرایم شدید نیز از آن استفاده می‌کرد. اما قانون دادگاه‌ها و عدالت کیفری ۲۰۱۵، اعمال آن در جرائم قابل کیفرخواست را توسط پلیس منع و به دادستان واگذار کرده است. شرایط لازم برای اعمال اخطار ساده توسط پلیس در جرائم اختصاری و دو وجهی عبارت‌اند از: ۱- وجود امله کافی برای تعقیب؛ ۲- قبول مجرمیت توسط متهم؛ ۳- رضایت مرتکب؛ ۴- به منفعت عامه بودن رسیدگی به پرونده با اخطار.

۲-۲-۲ اخطار جوانان

اخطار جوانان با ماده ۱۳۵ قانون معاضدت حقوقی ۲۰۱۲، ابداع و جایگزین «توبیخ و هشدار نهایی» شده است. این اخطار نسبت به مرتکبین ۱۰ تا ۱۷ سال اعمال می‌شود. اخطار جوانان بیشتر بعد حمایتی و رفاه‌گرایی کیفری دارد. زیرا اولاً هدف از ایجاد آن ارائه یک پاسخ انعطاف‌پذیرتر از طرح هشدار نهایی بوده است؛ ثانیاً سابقه محکومیت یا توبیخ و هشدار نهایی، مانع از صدور این اخطار نیست. شرایط لازم برای این اخطار، همان شرایط اخطار ساده است؛ با این تفاوت که در اخطار جوانان، رضایت متهم شرط نیست. همانند اخطار ساده، پلیس صرفاً در جرائم اختصاری یا دو وجهی حق صدور این اخطار را دارد.

۳-۲-۲ اخطارهای مشروط

اخطار مشروط الزاماتی دارد که در قالب شروطی به آن ضمیمه می‌شود و مرتکب باید آنها را رعایت کند. اعمال اخطار مشروط باعث تعلیق رسیدگی کیفری می‌شود. این اخطار با قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ ایجاد شد. در ابتدا، فقط دادستان حق صدور آن را داشت؛ اما با تصویب مواد (۳) ۱۳۳ و (۳) ۱۳۸ قانون معاضدت حقوقی ۲۰۱۲، پلیس در جرائم اختصاری و دو وجهی اختیار صدور این اخطار را دارد. این اخطار در مورد بزرگسالان، «اخطار مشروط» و در مورد نوجوانان «اخطار مشروط نوجوانان» نام دارد.

همانند اخطارهای ساده و جوانان، پلیس در جرائم دو وجهی و اختصاری می‌تواند به اخطار مشروط بزرگسالان حکم دهد. شرایط صدور این اخطار، همان شرایط اخطار ساده است، اما علاوه بر آنها باید به مرتکب هشدار داده شود که عدم رعایت شرایط می‌تواند منتهی به شروع به تعقیب شود و سند کتبی حاوی جزئیات مربوط به جرم و اخطار مشروط توسط مرتکب امضا شود. تدابیر منضم به اخطار مشروط باید دارای اهداف بازپروری، جبران خسارت و مجازات باشند. اخطار مشروط نیز محکومیت کیفری تلقی نمی‌شود.

به موجب قانون معاضدت حقوقی ۲۰۱۲، اخطار مشروط برای افراد ۱۰ تا ۱۷ سال نیز قابل استفاده است. همانند سایر اخطارها، پلیس صرفاً می‌تواند در جرائم اختصاری و دو وجهی به این اخطار حکم دهد. شرایط صدور این اخطار، همان شرایط اخطار مشروط بزرگسالان است، ولی در مورد افراد ۱۶ سال و کمتر، تفهیم آثار اخطار و عدم رعایت شروط باید در حضور فرد بزرگسال مناسب انجام شود.

۴-۲-۲ قبض جرمه

قبض جرمه یکی دیگر از جلوه‌های قضازدایی پلیسی در انگلستان است که در جرائم خرد صادر می‌شود، بدون اینکه ضرورتی به حضور مرتکب در دادگاه باشد (Sharpley, 2010-2011: 60). این تدبیر دو نوع مختلف دارد: ۱. قبض جرمه نقدی؛ ۲. قبض جرمه برای بی‌نظمی.



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

از زمان تصویب قانون راهنمایی و رانندگی ۱۹۸۸، پلیس می‌تواند از قبض جرمه نقدی برای برخورد با جرائم راهنمایی و رانندگی استفاده کند. این قبض می‌تواند برای افراد بالای ۱۰ سال صادر شود و مبلغ آن از ۵۰ تا ۵۰۰ پوند است. اخیراً صدور این قبض در برخی جرائم محیط‌زیستی نیز امکان‌پذیر شده است. بعد از صدور قبض جرمه، فرد ۱۴ روز فرصت دارد تا مبلغ جرمه را بپردازد. در صورت پرداخت، از تعقیب کیفری مبرا می‌شود، اما عدم پرداخت جرمه منتهی به تعقیب می‌شود. دلیل اصلی پیش‌بینی این تدبیر، معاف کردن دادگاه از رسیدگی به پرونده‌هایی است که به راحتی قابل اثبات‌اند و دفاعی در مقابل آنها صورت نمی‌گیرد. از بُعد مطالعه تطبیقی، مقنن ایران در ابتدا در ماده ۱ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگی ۱۳۵۰، اعمال جرمه در تخلفات راهنمایی و رانندگی را به افسران شهربانی واگذار کرد (وروایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

در حال حاضر نیز ماده ۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹، به افسران راهنمایی و رانندگی اجازه صدور قبض جرمه را داده است؛ با این تفاوت که در انگلستان این موارد جرم تلقی می‌شوند و قانون به پلیس اجازه داده که به جای دادگاه مبادرت به تعیین مجازات نماید؛ در حالی که در ایران، از این موارد جرم‌زدایی شده و به تخلف تبدیل و رسیدگی به آنها از مراجع قضایی به اداره راهنمایی و رانندگی واگذار شده است.

قبض جرمه برای بی‌نظمی، نوعی قبض جرمه نقدی است که قانون پلیس و عدالت کیفری ۲۰۰۱، آن را به عنوان جایگزینی برای حل و فصل پرونده‌های خرد ایجاد کرده است. این تدبیر، کنترل‌های لحظه‌ای پلیس را افزایش می‌دهد و تشریفات اداری را حذف و در وقت پلیس نیز صرفه‌جویی می‌کند. این تدبیر، یک جرمه مالی است که بعد از ارتکاب جرائم قابل جرمه مثل تخریب کیفری زیر ۳۰۰ پوند، سرقت‌های جزئی زیر ۱۰۰ پوند و حمل مواد مخدر حشیش و قات صادر می‌شود. این قبض‌ها، جرمه‌هایی از ۶۰ تا ۹۰ پوند را به همراه دارند که ظرف ۲۱ روز از تاریخ صدور، یا باید مبلغ آن به طور کامل پرداخت شود یا اینکه شخص، رسیدگی توسط دادگاه یا حضور در دوره آموزشی را درخواست کند. در صورت پرداخت جرمه یا حضور در دوره‌های آموزشی، پرونده مختومه می‌شود. این تدبیر فقط در مورد بزرگسالان کاربرد دارد و پلیس در تمامی جرائم تحت شمول قبض جرمه نقدی، می‌تواند از آن استفاده کند. این تدبیر، نه در سجل کیفری ثبت و نه محکومیت کیفری محسوب می‌شود، اما تمامی قبض‌های صادره برای جرائم قابل ثبت در کامپیوتر ملی پلیس ثبت می‌شوند.

۲-۳ امکان استفاده از الگوهای پلیس انگلستان برای پلیس قضایی ایران

وظیفه پلیس در انگلستان از زمان کشف جرم شروع می‌شود و پیش از شروع به تعقیب، مسئول تحقیق و تحصیل دلایل در خصوص جرم مذکور می‌باشند. در واقع می‌توان گفت وظیفه پلیس در انگلستان همانند وظیفه یک مامور تحقیق در نظام عدالت کیفری است. در این کشور، پلیس در برخی شرایط و اوضاع و احوال و در دسته‌ای از جرایم می‌تواند با اخطار پرونده را مختومه نماید و وزارت کشور با صدور بخشنامه‌هایی تلاش دارد تا پلیس را ترغیب کند که از طریق اخطار، قضازدایی را افزایش داده و استفاده از تعقیب کیفری رسمی را کاهش دهد (Ashworth, 1999:160). حال آنکه در سیستم قضایی کشور ما، اختیارات پلیس محدود می‌باشد و کلیه اقدامات آنها بایستی تحت نظر و توافق مقام قضایی صورت گیرد؛ هر چند که در برخی از جرایم و شرایط از جمله جرایم مشهود حق دخالت و انجام اقدامات خاصی را



انجمن مطالعات
سیاسی حوزه



فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالعات سیاسی حوزه

دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

دارند. اما این کافی نیست، اگر چنانچه پلیس ایران همانند پلیس انگلستان از اختیارات ویژه‌ای که در برخورد با جرایم دارد برخوردار بود؛ می‌توانست خیلی از پرونده‌های سبک و کم‌اهمیت را در همان مرحله‌ی طرح در کلانتری با دادن یک اخطار یا اخذ تعهد مختومه کند و به این نحو از ورود خیل عظیم پرونده‌ها به سیستم قضایی جلوگیری کند. البته این امر محقق نمی‌شود مگر زمانی که نیروهای پلیس، از همان تخصص مقامات قضایی برخوردار باشند و در چارچوب وظایف محوله این اقدامات را براساس قانون انجام دهند.

۳. فرانسه

در فرانسه پلیس قضایی در مفهوم خاص خود به تشکیلات پلیس در پلیس ملی فرانسه اطلاق می‌شود لیکن در مفهوم عام آن علاوه بر مصداق فوق افراد زیادی خارج از نیروهای پلیس ملی را نیز در بر می‌گیرد. براساس ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مصوب ۹ ژوئیه ۱۹۶۶ و اصلاحیه ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸ افراد مشهور به عنوان پلیس قضایی به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند.

۱-۳ ساختار و نهادها

در این قسمت به بررسی ساختار پلیس قضایی فرانسه پرداخته می‌شود

۱-۱-۳ افسران پلیس قضایی

این دسته از کارکنان پلیس قضایی در مفهوم عام آن از افراد زیر تشکیل می‌شوند:

شهرداران و معاونان آنان

افسران و درجه‌داران ژاندارمری ملی

بازرسان عمومی

معاونان مدیران پلیس فعال

ناظران عمومی

کلانتری‌های پلیس

کارمندان هیئت بازرسان پلیس در پلیس ملی

کارمندان هیئت فرماندهی افسران صلح مامور در یک حوزه سرزمینی

۲-۱-۳ ماموران پلیس قضایی

شامل اشخاص زیر می‌باشند: ژاندارمرها- بازرسان پلیس فاقد ابلاغ قضایی- اعضای دارای لباس فرم امنیت عمومی -

مدیران تحقیق کننده ملی - تحقیق کننده‌های پلیس ملی ماموران پلیس شهرداری

۳-۱-۳ ماموران پلیس قضایی معاون

این گروه نیز از افراد زیر تشکیل می‌شود.

کارکنان پلیس ملی که عنوان افسر یا مامور قضایی ندارند نگهبانان روستایی

نگهبانان مخصوص قسم خورده



انجمن مطالعات
سیاسی حوزه

فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالعات سیاسی حوزه



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

مهندسان و ماموران فنی آبها و جنگل‌ها

ماموران ادارات مالیاتی

ماموران ادارات ثبت

بازرسان کار برخی از ماموران پست تلگراف و تلفن

ماموران راه‌آهن

ماموران مترو پاریس

بسیاری از سازمان‌های دیگری که به موجب قوانین خاص بعضی از اختیارات پلیس قضایی به آنها داده می‌شوند.

۲-۳ حدود وظایف و اختیارات افراد پلیس قضایی فرانسه

این بحث را در دو قسمت متفاوت ارائه خواهیم نمود.

ابتدا عوامل تاثیرگذار در حدود وظایف و اختیارات افراد پلیس قضایی را بررسی و سپس حدود وظایف آنها را مطالعه خواهیم کرد.

۱-۲-۳ عوامل موثر بر حدود وظایف و اختیارات پلیس قضایی فرانسه

دامنه و اختیارات هر یک از کارکنان پلیس قضایی در فرانسه به موارد زیر بستگی دارد:

الف) مشهود یا غیرمشهود بودن جرم مورد رسیدگی

در جریان پیگیری جرائم مشهود افراد پلیس قضایی از تکالیف و اختیارات بیشتری نسبت به سایر جرایم برخوردارند. در حقوق فرانسه جرم در موارد زیر مشهود به حساب می‌آید (استفانی، ۱۳۷۷: ۴۵۸).

- جرم در حال وقوع

- جرم بلافاصله بعد از وقوع

- چنانچه در زمانی بسیار نزدیک به ارتکاب، شخص مظنون با جنجال عمومی تعقیب شود.

- در صورتی که اشیاء و آلات ارتکاب جرم که قبلاً در تصرف متمم به پیدا شود.

- آثار و قراین حاکمی از دخالت شخص مظنون در ارتکاب جرم باشد.

- صاحب منزل ورود ماموران را جهت تایید وقوع جرم منزل خود درخواست کند.

۱-۱-۲-۳ سلسله مراتب فرد در پلیس قضایی

همانگونه که در مبحث پیش بیان شد افراد پلیس قضایی به سه دسته افسران قضایی ماموران پلیس قضایی و ماموران پلیس قضایی معاون تقسیم می‌شوند. تکالیف و اختیارات هر دسته از این افراد با دیگران متفاوت است. بیشترین میزان اختیارات متعلق به افسران دارای ابلاغ پلیس قضایی است. پس از آن به ترتیب حضور سلسله مراتب تکالیف و اختیارات نیز کاهش می‌یابد.

۲-۱-۲-۳ وسعت حوزه صلاحیت فرد

حذف نوع جرم یا دادگاه رسیدگی کننده به جرم و یا ساختار تعریف شده برای تشکیلات مطبوع فرد ممکن است حدود اختیارات فرد عضو پلیس قضایی یکی از موارد زیر باشد.



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

- قلمرو دادگاه شهرستان

- قلمرو دادگاه‌های هم مرز

- سرزمین حوزه (استان)

- تمام خاک فرانسه

۳-۲-۲- حدود وظایف پلیس قضایی

در قانون فرانسه عمده وظایف قضایی در مأموریت‌های زیر خلاصه می‌شود.

۳-۲-۲-۱- وصول و انتقال شکایت‌ها و اعلام جرم‌ها

پلیس قضایی موظف است کلیه شکایت‌ها و اعلام جرم‌ها را وصول و (در صورت لزوم پس از تحقیق و بررسی ابتدایی) آنها را به نظر دادستان شهرستان برساند منظور از شکایت اعلام جرم از طرف خود قربانی جرم است در حالیکه اعلام جرم اطلاع دادن وقوع جرم از طرف شخص ثالثی است که قربانی جرم نبوده است. اعلام جرم ممکن است توسط افراد عادی و یا مأموران ادارات و دستگاه‌های دولتی صورت بگیرد. همچنین ممکن است کتبی یا شفاهی با نام یا بی‌نام باشد.

۳-۲-۲-۲- تأیید جرایم با تنظیم صورت جلسه

کلیه مأموران پلیس قضایی در حدود صلاحیت خود اجازه تنظیم گزارش در خصوص وقوع جرم را دارند. قانون برای برخی از این گزارش‌ها شرایط ماهوی و شکل خاصی را پیش‌بینی کرده و رعایت برخی از این شرایط را با ضمانت بطلان الزامی کرده است. ارزش قضایی این صورت جلسه‌ها متفاوت است. بعضی از آنها دارای ارزش اثباتی خاصی هستند در حالی که برخی دیگر ممکن است با دلیل مخالف و گروهی دیگر صرفاً با اثبات ادعای جعل قابل رد باشند.

۴. ایران

در این قسمت با بهره‌گیری از مطالب پیش گفته در مورد پلیس قضایی کشور انگلستان و کشور فرانسه به بررسی نحوه مداخله صحیح پلیس در امور قضایی و به هدف قضا زدایی می‌پردازیم.

۴-۱- تداخل مدیریت و فرماندهی

در حال حاضر، ضابط قضائی از آن حیث که طبیعت انتظامی دارد متعلق به دولت است، و از آن حیث که به عنوان بازوی اجرایی قوه قضائیه، عملیات اجرائی و بخشی از وظایف سازمان قضائی را انجام می‌دهد، متعلق به سازمان قضائی است. در واقع دو نهاد مختلف بر ضابط قضائی ریاست و نظارت دارد که این امر، موجب ضعف عملکرد نهاد مذکور می‌شود. به ویژه؛ در جایی که اختیارات یکی از نهادهای آمر و ناظر کم‌تر از دیگری باشد. به عبارت دیگر؛ وابستگی ضابطین قضائی به پلیس انتظامی آثار سوئی دارد، و باعث بروز تعدد فرماندهی بر نهاد ضابط قضائی می‌شود. به همین جهت در برخی از سیستم‌ها پلیس قضائی به عنوان نهادی که تحت ریاست و نظارت واحد سازمان قضائی است به رسمیت شناخته می‌شود.



انجمن مطالعات
سینایی حوزه



فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالعات سینایی حوزه

دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

طبق یک اصل مهم مدیریتی، هر یک از کارکنان برای انجام کار باید از یک مافوق دستور بگیرند. وحدت فرماندهی بدون وحدت مدیریت نمی‌تواند به وجود آید. مهم‌ترین ملاحظه مورد توجه در این اصل، این است که تداخل وظیفه و تداخل دستور ایجاد نشود.

۲-۴ الگوهای قابل اعمال

دو سناریوی نظری بر ساختار پلیس قضائی حاکم است: نخست؛ تفکیک کامل پلیس قضائی از پلیس ملی و تابعیت کامل آن از دادگستری است؛ به نحوی که پلیس قضائی بخشی از سازمان قضائی کشور محسوب شود. طرفداران این رویکرد معتقدند که الحاق پلیس قضائی به قوه قضائیه موجب تضمین استقلال قوه قضائیه از مجریه و هم‌چنین تخصصی شدن و افزایش بهره‌وری آنان در انجام امور محوله خواهد شد. در خصوص تاسیس نیروهای تخصصی پلیس قضائی نیز دو رویه دیده می‌شود: در برخی کشورها افسران پلیس قضائی از ابتدا توسط دادگستری جذب، تربیت و به کار گرفته می‌شوند. در برخی کشورها افسران پلیس قضائی از میان افسرانی که توسط پلیس ملی جذب و تربیت شده‌اند و واجد شرایط خاصی می‌باشند، انتخاب و به پلیس قضائی مامور می‌شوند.

سناریوی دوم عبارت از جدایی و انفکاک پلیس قضائی از قوه قضائیه و تابعیت از پلیس ملی است. طرفداران رویکرد اخیر معتقدند تمرکز قدرت در قوه قضائیه، فساد می‌آورد و مصلحت جامعه در آن است که بازوی اجرایی قوه قضائیه جدا از قوه قضائیه باشد تا به اصطلاح قدرت بین قوای سه‌گانه تقسیم و توازن بین آن‌ها برقرار شود. در این رویکرد پلیس قضائی به همراه پلیس انتظامی مجتمعا سازمان پلیس ملی را تشکیل می‌دهند و بخشی از قوه مجریه و وزارت کشور به شمار می‌روند. در مورد چگونگی آموزش و تربیت پلیس قضائی در این رویکرد نیز دو رویه مشاهده می‌شود: در یک رویه به مقامات قضائی اجازه نظارت و آموزش مستقیم به پلیس قضائی داده شده است، اما در رویه دیگر حتی نظارت و آموزش تخصصی به پلیس قضائی نیز باید فقط از طریق سیستم پلیس ملی صورت گیرد (برنه، ۱۳۷۷: ۴۰).

۳-۴ مدل مطلوب

در مدل مطلوب، در راستای افزایش بهره‌وری در تحقیق و تضمین استقلال قوه قضائیه در پیشبرد مسئولیت‌های خود، پلیس قضائی در ذیل قوه قضائیه تاسیس می‌شود و پیشنهاد می‌شود، با توجه به این که ابزارهای فنی، اطلاعاتی و نظامی در اختیار قوه قضائیه نبوده و بلکه امکانات مورد نیاز آن در اختیار نیروی انتظامی است، قوه قضائیه نیروی پلیس قضائی مورد نیاز خود را از میان افراد تربیت شده در مراکز آموزشی و دانشگاه‌های تخصصی زیر نظر نیروی انتظامی استخدام کند. بنابراین؛ پلیس قضائی در سلسله مراتب دادسرا (در قوه قضائیه) تاسیس می‌شود، و نیروهای این نهاد از میان افسرانی که توسط نیروی انتظامی جذب و تربیت گشته و صلاحیت حرفه‌ای ایشان از سوی نیروی انتظامی تایید شده است، انتخاب و به پلیس قضائی مامور می‌شوند. تاسیس پلیس قضائی در زیر مجموعه دادسرا باعث می‌شود قوه قضائیه در زیر مجموعه خود دارای پلیس متخصص و متمرکز گردد. البته دغدغه‌ی تمرکز نامتوازن قدرت در قوه قضائیه قابل توجه و مهم است. زیرا؛ از یک سو؛ قوه قضائیه در این حالت و بدون تدابیر مناسب می‌تواند خود رأسا به کشف جرم، تعقیب و تحقیق، صدور حکم و اجرای آن در مورد تک تک افراد جامعه بپردازد و این تمرکز، قدرت شدیدی به آن می‌دهد. از سوی دیگر؛ کیفیت ساختار و جایگاه قوه قضائیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در ایران چنان است که امکان اخذ پاسخ از این قوه به نحو موثر یعنی؛ به ترتیبی که موجب الزام به پاسخ‌گویی و پذیرش تبعات آن باشد وجود ندارد. احاله و تفویض



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

اختیار تاسیس پلیس قضائی به قوه قضائیه اگر چه می‌تواند موجبات اجرای بهتر و سریع‌تر اوامر و نواهی قضائی را فراهم آورد، اما در عمل تفویض قدرت به مرجعی است که در مقابل اختیارات و اقتدار مکتسبه، قابل پرسش و مسئول نیست. پلیس به ویژه در امور قضائی با جان، مال، امنیت، آزادی و کثیری دیگر از ارزش‌های حیاتی شهروندان ارتباط دارد و ضروری است که دارای جایگاهی معین در ساختاری پاسخ‌گو بوده و به انجام وظیفه بپردازد (گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه تشکیل پلیس قضائی، ۱۳۸۴: ۴). با این حال اشکال تمرکز قدرت، قابل حل است. به همین جهت در مدل مطلوب سه راه‌کار در جهت متوازن ساختن منطقی قدرت در قوه قضائیه با دیگر قوا، در اثر تنظیم چگونگی روابط میان پلیس و دادسرا اندیشیده شده است:

اولین راه‌کار در سازوکار فوق‌الذکر در چگونگی جذب نیروی انسانی مورد نیاز برای پلیس قضایی است. بدین صورت که قوه قضائیه بایستی افرادی را برای پلیس قضائی انتخاب کند که نهادی خارج از قوه قضائیه صلاحیت حرفه‌ای اولیه آنان را تأیید کرده باشد. بنابراین؛ در این جا علاوه بر این که آموزش تخصصی پلیس (شامل پلیس قضایی) زیر نظر دانشگاه‌های حرفه‌ای و تخصصی سازمان پلیس قرار داده شده است (استفاده از مزیت علمی - تخصصی دانشگاه‌های نیروی انتظامی)، این سازوکار بر عدم تمرکز قدرت در قوه قضائیه نیز تأثیر می‌گذارد.

دومین راه‌کار، در جهت کنترل نسبی عملکرد پلیس قضایی - بدون آن که در وظایف حرفه‌ای آن دخالت شود - ایجاد یک مرجع انتظامی پلیس خارج از قوه قضائیه و زیر مجموعه سازمان پلیس می‌باشد. این مرجع انتظامی یک دادگاه صنفی مثل دیگر دادگاه‌های مشابه است، و به تخلفات صنف پلیس (چه پلیس قضایی و چه پلیس نیروی انتظامی) رسیدگی می‌کند و اختیاراتی هم چون تعلیق و محرومیت از خدمت برای افراد پلیس را دارد. از این طریق نیز تمرکز قدرت ایجاد شده در قوه قضائیه تعدیل می‌شود. به عبارت دیگر؛ مهم‌ترین امتیاز این نهاد، تاسیس آن در ذیل سازمان پلیس است که به جهت استقلال ساختاری و تشکیلاتی آن از قوه قضائیه، توازن قدرت را احیاء می‌کند و بهتر می‌تواند در مقابل خودسری‌های احتمالی پلیس قضائی و نقض حقوق شهروندی واکنش نشان دهد. نقش این نهاد، حمایت از شهروندان در برابر نقض حقوق، سوءاستفاده از اختیارات، اشتباه، غفلت، تصمیم غیرمنصفانه و سوء مدیریت به منظور ارتقای مدیریت و شفاف کردن اعمال پلیس قضائی و پاسخ‌گو کردن آن نهاد است (موذن زادگان و غلامی، ۱۳۹۵: ۱۹۷). با ایجاد چنین نهادی، مقامات بالا دست پلیس (اعم از دادستان، بازپرس و قاضی ناظر) و مردم شکایات خود را نسبت به تخلفات این نهاد به مرجع انتظامی پلیس اعلام و آن را پی می‌گیرند. با ایجاد این سازوکار نهاد مذکور وظیفه اعمال نظارت غیرقضائی بر عملکرد پلیس قضائی را بر عهده خواهد داشت.

در حقیقت، تاسیس پلیس قضائی در ذیل قوه قضائیه در یک رویکرد خطی و غیرسیستمی، با اشکال تمرکز قدرت همراه است، اما در یک نگرش سیستمی و کل‌نگر، این اشکال را می‌توان با طراحی مکانیزم‌های کنترلی برطرف کرد. به عبارت دیگر نباید از تاسیس یک نهاد مناسب و اثربخش که بدون اغراق می‌توان گفت بسیاری از مشکلات و چالش‌های یک قوه را برطرف می‌سازد به دستاویز چنین اشکالی دست برداشته و از آن چشم‌پوشی کرد؛ آن هم بدون تامل بر این نکته که آیا این اشکال از سایر طرق قابل حل است یا خیر.

سومین راه‌کار ارائه شده، قرار دادن امکان اعلام و کشف جرم به صورت انحصاری در اختیار نیروی انتظامی می‌باشد. در حال حاضر هم نیروی انتظامی و هم دادسرا (به صورت موازی و همزمان) می‌توانند اقدام به کشف جرم نمایند، ولی در



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

مدل مطلوب تا زمانی که نیروی انتظامی کشف یا اعلام جرمی را به دادسرا اعلام نکرده، دادسرا نمی‌تواند به تعقیب آن جرم بپردازد، و بدین صورت، قوه قضائیه نمی‌تواند رأساً و به تشخیص خود سراغ افراد برود تا آن‌ها را تحت تعقیب، تحقیق و محاکمه قرار دهد. حتماً باید ابتدائاً نیروی انتظامی کشف اولیه جرم را به دادسرا اعلام کند تا فرآیند تعقیب و ... بتواند در آن پرونده آغاز به کار کند.

به وسیله این راه‌کارها از طریق کنترل ورودی‌های مربوط به پلیس قضائی در سیستم قضائی (ورودی منابع انسانی پلیس قضائی و ورودی پرونده‌های ارسالی به سیستم قضائی) و از طریق نظارت بر عملکرد پلیس قضائی (مرجع انتظامی پلیس) می‌توان هم از فواید وجود پلیس قضائی تخصصی که جهت عملکرد مناسب دادسرا می‌باشد بهره برد و هم قدرت نامتوازی که در اثر واگذاری پلیس قضائی به قوه قضائیه ایجاد شده بود را به حالت توازن برگرداند. توجه به این راه‌کارها لازمه چنین مدل مطلوبی به عنوان سیستمی جامع است که جوانب مختلف پیشنهادات خود را مدنظر قرار داده است. با توجه به این شرایط در مدل مطلوب است که وجود پلیس قضائی با کم‌ترین عوارض در کشور می‌تواند زمینه‌ساز رعایت حقوق، آزادی‌های افراد و اجرای هر چه بهتر عدالت و امنیت در جامعه گردیده (صابر و دانش‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۱۰) و باعث کاهش اطلاع دادرسی شده و از تراکم پرونده‌ها جلوگیری نماید. تاسیس پلیس قضائی در درون سازمان دادسرا سبب می‌شود قاضی دستورالعمل‌های لازم را به آن‌ها بدهد، و خود او بتواند به نحو اثربخشی بر جریان تحقیقات هدایت، نظارت و کنترل داشته باشد و بدین وسیله دادگستری از معضل گزارش‌های خلاف واقع و سهل‌انگاری‌ها و سوءاستفاده‌های بوجود آمده از سوی ضابطین خلاصی یابد. به علاوه، تاسیس پلیس قضائی در دادسرا می‌تواند موجب به کارگیری ابزارهای کارگروهی و مشارکتی، سهولت دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهره‌برداری از روابط اخلاقی دو جانبه شود.

۵. نتیجه گیری

در پژوهشی که از نظر گذشت به بررسی حدود مداخله پلیسی در امور قضائی پرداخته شد. ابتدائاً باید عنوان کرد که هدف از این نوع مداخله، به نوعی اعمال و اعتلای قضازدایی در جرائمی است که به دلیل سبک بودن یا به اصطلاح حقوق کیفری؛ قرار گرفتن در محدوده جرائم خرد، امکان اعمال برخی مجازات‌ها، تذکرها و یا پایش‌ها توسط پلیس وجود دارد. در همین راستا طی تحقیق حاضر سه کشور انگلستان، فرانسه و ایران را مدنظر قرار دادیم. در کشور انگلستان اعمال این نوع مجازات‌ها توسط پلیس دارای سابقه، نظم و انسجام قانونی بیشتری است. هر چند حدود اقتدار و اختیار پلیس در این زمینه طی سالهای ۱۸۷۹ میلادی، ۲۰۰۳ میلادی تا ۲۰۱۳ دارای افت و خیزهایی بوده است، لیکن امروزه پلیس قضائی در این کشور دارای اختیاراتی است که می‌تواند متهم به جرائم سبک را حتی با یک تذکر یا اخطار از ورود به چرخه پیچیده عدالت کیفری منع نماید. در این کشور علاوه بر موارد مذکور امکان صدور قبض جرمیه، هشدار کتبی، حل و فصل اجتماعی (معادل میانجیگری کیفری در حقوق ایران)، نظارت بر توافق‌نامه بین طرفین یک دعوای کیفری و ... نیز وجود دارد.

در کشور فرانسه نیز پلیس با مداخله نسبی در امور قضائی و سازمانی منسجم کچه متشکل از افسران و مأموران پلیس قضائی است، توان ورود به برخی جرائم خرد را دارد. در این زمینه پلیس قضائی اختیاراتی مشابه پلیس انگلستان دارد و می‌تواند گزارش‌هایی را مرقوم نماید که از نظر قضائی دارای ارزش بالایی است.



دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

در کشور ایران می‌توان با الگوبرداری از هر دو کشور فوق، امکان مداخله در برخی امور قضائی در جرائم خرد را به پلیس اعطا نمود، هر چند، آموزش صحیح این نیروها، داشتن تحصیلات مرتبط و نظارت بر عملکرد آنها باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. در کلام آخر باید گفت که اصلی‌ترین دغدغه در زمینه اعطای اختیارات ویژه قضائی به پلیس، اولاً مغایرت با اصل تفکیک قوا و تفکیک مقام تحقیق از مقام رسیدگی‌کننده می‌باشد و ثانیاً سلسله مراتب این نیروها از حیث زیر نظر دولت بودن و یا زیر نظر قوه قضائیه بودن. در نهایت به نظر می‌رسد استفاده از ظرفیت‌های موجود می‌تواند راهگشا باشد.

۶. پیشنهادات

۱. اعطای برخی اختیارات به پلیس ایران، جهت کاربست راه‌کارهای ترمیمی در پرونده‌هایی با جرائم خرد
۲. در نظر گرفتن اصلاحاتی کلی برای «لایحه قانونی تشکیل پلیس قضائی» و «قانون راجع به اصلاح لایحه قانونی تشکیل پلیس قضائی» با اهداف ذیل
 - الف) قوانین استخدامی در جهت بکارگیری نیروی متخصص و دانش‌آموختگان رشته حقوق
 - ب) در نظر گرفتن پلیس قضائی بعنوان زیر مجموعه قوه قضائیه
 - ج) ایجاد توازن قوا بین قوه قضائیه و دولت با راهکارهایی همچون، اعطای اختیارات استخدامی به پلیس دولتی یا اختیار اعلام جرم توسط پلیس دولتی بصورت انحصاری بگونه‌ای که تا اعلام جرم توسط پلیس عادی صورت نگیرد پلیس قضائی امکان مداخله نداشته باشد.

منابع

۱. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولوک، برنار، ۱۳۷۷، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. افراسیابی، علی، ۱۳۹۵، بازتوزیع اختیارات نهادهای کشف و تحقیق جرم در نظام حقوقی ایران، پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هجدهم، شماره ۷۳.
۳. برنه، آمادو رکاسنس، ۱۳۷۷، پلیس و دستگاه قضائی، ترجمه روح‌الدین کرد علی‌وند، امنیت، سال دوم، شماره ۴.
۴. بولک، برنار، ۱۳۸۴، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم.
۵. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ صالحی، محمدخلیل؛ مرادی حسن‌آباد، محسن، ۱۳۹۶، موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳.
۶. دیباجی شیشوان، سمیرا؛ عزیزی، غلامعلی، ۱۳۹۲، قضازدایی و چالش‌های قانونی آن در حقوق ایران، ماهنامه کانون، شماره ۱۴۵-۱۴۶.
۷. شاکری، ابوالحسن؛ قاسمی، مسعود، ۱۳۹۵، پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱.



انجمن مطالعات
سیناسی حوزه



فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالعات سیناسی حوزه

دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

۸. شکرچی زاده، محسن، ۱۳۹۶، آئین دادرسی کیفری انگلستان (قاعده اقتضاء تعقیب)، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۹. صابر، محمود؛ دانش نژاد، عبدالرسول، ۱۳۹۳، جایگاه آموزش ضابطان در فرایند دادرسی کیفری (با تاکید بر قانون جدید دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش در علوم انتظامی، سال دوم، شماره ۴.
۱۰. صادق پور، ناهید، ۱۳۹۰، نقش پلیس در فرایند دادرسی کیفری در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکز.
۱۱. گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه تشکیل پلیس قضائی، ۱۳۸۴، شماره مسلسل ۷۴۹۸.
۱۲. مهرا، نسرین، ۱۳۷۶-۱۳۷۷، درآمدی بر جرم زدایی، کیفرزدایی و قضاودایی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱-۲۲.
۱۳. مهرا، نسرین، ۱۳۹۴، نظام حقوقی انگلستان، تهران: نشر میزان، چاپ سوم.
۱۴. موذن زادگان، حسنعلی؛ غلامی، نبی اله، ۱۳۹۵، سازوکار نظارت فعال غیرقضائی بر اقدامات ضابطان دادگستری (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و انگلیس)، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هشتم، شماره ۱.
۱۵. وروایی، اکبر؛ فتاحی، علی؛ یآوری، وحید، ۱۳۹۴، بررسی سیر تحول سیاست تقنینی ایران در کنترل جرائم و تخلفات رانندگی، فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، شماره ۱۲.
16. Ashworth, A "Developments in the Public Prosecutor's Office in England and Wales", 2000, European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice, Vol.8/3: pp.266-267.
17. Ashworth, Andrew, 1999, principle of criminal law, oxford university.
18. Kraus, J. and S.L. Hasleton, 1982, "Juvenile Offenders 'Diversion Potential as a Function of Police Perceptions" American Journal of Community Psychology, Vol.10, No.2.
19. Sharpley, D. 2010-2011, Criminal Litigation Practice and Procedure, London: College of Law Publishing.
20. Waddington, P.A.J. 1999, Policing Citizens: Authority and Rights, First published, London: UCL Press Limited.